



انسانی

شورش‌گری

بورديو،

1930 - 2002

PIERRE BOURDIEU

به پاسست درگذشت جامعه‌شناس و متفکر بزرگ فرانسوی

آنان که جذابیت پیر بورديو را می‌ستایند، تحسین‌اش می‌کنند؛ و کسانی که متعصب‌اش می‌دانند، او را نقد می‌کنند. او مردی است با ایمان.

بیش‌تر کسانی که با پیر بورديو اختلاف نظر دارند از قضاوت سخت ریمون آرون در کتاب «خاطرات» خود درباره‌ی او لذت می‌برند. ریمون آرون، او را «رهبر متعصبان، مطمئن به خود و سلطه‌جو» توصیف می‌کند و او را «نسبت به کسانی که به او بدگمان هستند، بی‌رحم» می‌داند. ریمون آرون در همان کتاب خاطرنشان می‌سازد که رابطه‌ی او و دستیاران‌اش، همواره «مشکل» بوده است: «به علاوه آن‌که، بورديو که در آغاز سال‌های دهه‌ی ۶۰ دستیار من بوده، هرگز نمی‌گوید که در سمینارهایم این کار را می‌کرده است.» بی‌شک در این سکوت، سکوتی از گونه‌ی یک جوان دانشگاهی وجود دارد! الگوی درخشان او در زمینه‌ی مشکلات شهری نتیجه‌ی گونه‌ای سادگی پیرامونی در مواجهه با روح تابان پایتخت بود. آن‌چنان‌که احتمالاً در خشونت‌ی که او بعدها آن را به باد سرزنش گرفت، وجود دارد: خشونتِ مناظره‌های سازش‌ناپذیر در روابط انسانی؛ بدگمان به دیگران و با احساس عدم درک برای در نظر گرفتن پیشرفت‌ها به مثابه نشانی از تکبر و در واقع گونه‌ای انتقام از شرمساری از گذشته.

این پسر کارمندی در به‌آر/ Béarn، بازیگر آماتور راگبی، وارث این منطقه در سلیقه‌ی مشاجره، مواجهه و آزمایش نیرو، هرگز در سالن‌های پاریس احساس خشنودی نمی‌کرد. مدت زیادی است که از ریشه‌هایش، بدگمانی

مهلکی متناسب با سادگی - بیانی یا مالی «کودکان» - گرد آورده است. نوشتارش چون شیاری ژرف بر صفحه‌ها اثر می‌گذارد و گواهی است بر رد نخوت، زیبایی و ظرافت و مهریانی‌اش که نشانه‌های خرد اویند. این‌ها همگی قابل درک است چرا که انسان بزرگ و پر توقع در کنار کسانی که می‌تواند به ایشان اعتماد کند، قرار می‌گیرد.

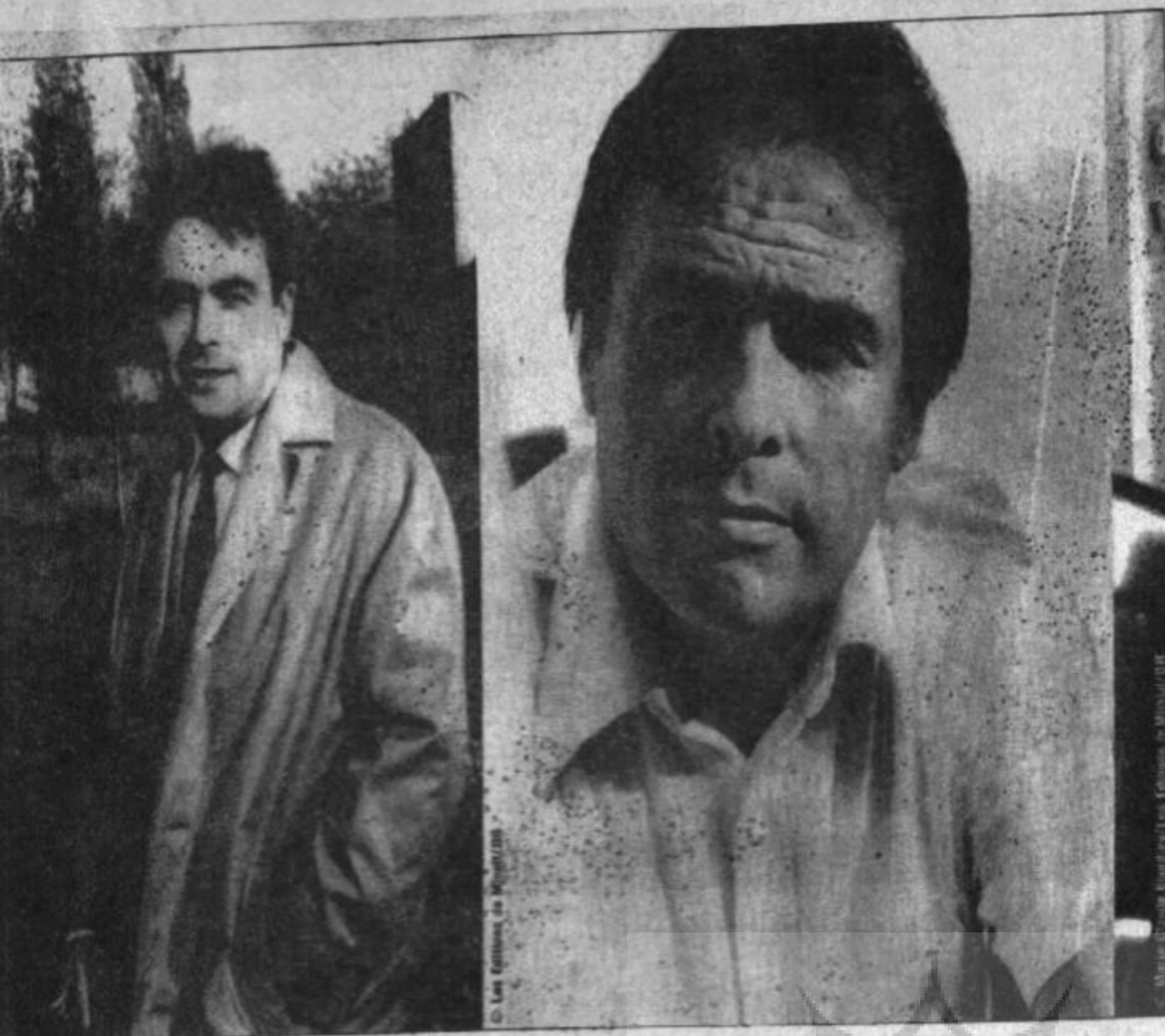
اما از نظر کسانی که امتیاز شمارش تعداد مخاطبان‌شان - دانشجویمان، پژوهشگران، رفقا و حتا گاهی روزنامه‌نگاران - را دارند، پیر بورديو مردی است آزاداندیش، خوشرو و مراقب. این آموزگار توانا با لهجه‌ی نادلنشین جنوب‌غربی خود تبسم خود و جذابیت خود برای بیان زنده‌ی پیچیده‌ترین تحلیل‌ها و پی‌گیری اهداف‌اش با هم‌دستی شگفت مردم‌اش، بسیار پرتوان است. او در سال‌های دهه‌ی ۶۰ به همراه ژان کلود پسران/ J. C. Passeron در دانشسرای عالی عهده‌دار سمینارها بود. درست در همان زمان و مکانی که لاکان/ Lacan پیروانش را و آلتوسر/ Althusser مریدانش را سازمان‌دهی می‌کردند، او، دورکهایم و وبر را به نوآموزان جامعه‌شناسی شناساند و کسانی را که در دکترا خود، خمیر مایه‌ی اولیه را داشتند، رشد داد و برای وارد شدن به تئوری‌ها در دست کشیدن از بلندی‌ها و اوج‌های‌شان تردید نمی‌کرد! چرا که همواره نگران از دست دادن ناگفته‌هایی بود که جوانان با فرهنگ را علاقه‌مند می‌ساخت و دیگران را می‌آزرد.

او از ایده‌ی «آموزش منطقی» به همراه بحث که به نظر او بدون درست یا اشتباه بودن،

مقوله‌ی «همان بدون اشتباه» را احیا می‌کند و عمل کاملی است برای آزمایش، دفاع می‌کرد. پیر بورديو در آموزش خود از شور و شوق مضاعف، شوخ‌طبعی و قدرت تأثیرگذاری‌اش بهره می‌گرفت. دیگران را جذب می‌کرد. کارش را که پیش می‌برد، تعداد «ستاینندگان پُرشورش» بیش‌تر می‌شد.

کاریزمای چشم‌گیرش، شنوندگانش در مدرسه مطالعات عالی و سپس در کالج فرانسه را محسور می‌کرد. کنفرانس‌هایش در بی‌شمار دانشگاه‌های خارج که به دفعات به آن‌جاها دعوت می‌شد، به‌عنوان «حادثه» تلقی می‌شد: انسان از آن پس شهیر می‌شد، درک می‌شد و از چیزی دل‌نگران نمی‌شد. نیز اگر تصدیق شود که هیچ توانایی‌ای در دانشگاه نداشت. او از تأثیر روشنفکرانه‌ی خود آگاه بود و بدون شرمگینی از این عزت رو به فزونی لذت می‌برد.

پیر بورديو با تبدیل شدن به چهره‌ای مردمی، بیش از همه در رشته‌ی هجونیویسی آزادی داشت. او آماده‌ی مواجهه با اتهام «نامداری» و «دگم بودن» است. قربانیان او، روزنامه‌نگار، مقاله‌نویس و «روشنگر میانه‌رو» بودند که همگی به تعبیری به ناروا، روزنامه‌ها و پلاتوهای تلویزیونی را اشغال می‌کردند. در این سختگیری، گونه‌ای بازی وجود دارد. پیر بورديو آن توده‌ای از درستی نبود که برخی دوست دارند او را این‌گونه بدانند، اندیشه‌اش همواره در حرکت است. او به شک رسیده بود، به تردید چنان‌که پیش از بیست بار اثر خود را به ماشین چاپ سپرد. اما او مرد مبارزه است و در مبارزه‌اش، تردید روانی ندارد.



در مرگ بوردیو

ژاک شیراک

«پیر بوردیو، فیلسوف و دانشمند شهیر، جامعه‌شناسی را به درجه‌ای رساند که دیگر از زندگی روزمره جدایی ناپذیر است. مبارزه‌ی او در خدمت آنان که متأثر از فلاکت جهانی‌اند، درخشان‌ترین گواه بر این مدعا است. پیر بوردیو این مبارز فرهنگی هم‌چنان امروزی است. او به تازگی در «discours aux maitres du monde» مطرح ساخته بود که زمانه‌ی فرهنگی از زمانه‌ی اقتصادی جداست.»

لیونل ژوسپن

«پیر بوردیو در تمامی دوران تولید آثار جامعه‌شناختی‌اش، به شخصه، جدل میان اندیشه و عمل را در گذار «تحلیل عالمانه‌ی تعهد اجتماعی و سیاسی» واقعی ساخت. تعهدی اساسی در دوران اخیر علیه جهانی‌سازی لیبرال و آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی‌اش.»

کاترین تاسکا

«پیر بوردیو از خود چهره‌ای بزرگ از روشنفکر متعهد در حمایت از جنبش‌های اجتماعی و در انتقاد بنیادی، شدید و خشن‌اش، از اندیشه‌های غالب زمان به نمایش گذاشت.»

حزب سوسیالیست

«پیر بوردیو در نقش ژان پل سارتر، صدایی است در بی‌صدایی و نماینده‌ی فقرا، مخالف قدرتمندان و محاط در سنت روشنفکران گرانقدر فرانسوی.»

حزب کمونیست

«مبارزه‌ی او و آثارش بیش‌ترین هماهنگی را با کسانی دارند که در دنیایی رها از فلاکت، سرنوشتی یک‌سان دارند. پیر بوردیو به «پوست‌اندازی» ناکارآمدی‌ها و نابرابری‌های جامعه‌ی ما قانع نبود؛ او در نبرد خود در حوزه‌های

روشنفکری و شهروندی عمیقاً معتقد به ضرورت تغییر بنیادین در جامعه‌ی کنونی بود.»

ژان پیر شونمان

«پیر بوردیو در آثار جامعه‌شناختی خود، تعهد شخصی نهان در درک انتقادی در خدمت شورشی سودمند علیه بی‌نظمی جهانی‌سازی لیبرال را گنجانده بود. در اندوه جهانی این اندیشه‌ی بی‌همتا، او تجسم نسیم تفکر انتقادی است.»

سبزها

«او چهره‌ای رمزآمیز برای تمام جنبش‌های اجتماعی بود» چرا که «پشتیبان همیشگی فقرا، روشنفکران الجزایری و تمام آنان که در لحظاتی از زندگی‌شان تعهدهای‌شان را در اعتراض به بی‌عدالتی و سلطه ابراز می‌دارند» بود.»

آلن کریوین

«یکی از روشنفکران بزرگ جنبش اجتماعی» که تمامی سال‌های آخر عمرش را در نبرد علیه نولیبرالیسم غالب صرف کرد.»

حزب (اتلاف جمهوری: حزب دست راستی فرانسه)

«پیر بوردیو بود که همه‌ی بلندنظریش را در تفکر و تعهد سیاسی به ثمر رساند. او تماشاگر متعهد جامعه‌ی ما بود که مقالات و آثار خود را در

مرکز مجادلات عمومی نگاشت.»

اتک / Attac

«او در مخالفت با تصویر روشنفکر برج عاج‌نشین، پژوهش‌های خود را در دل تضادهای اجتماعی و از پرسش‌های کوبنده، می‌آفرید. پیر بوردیو بی‌رحمانه زندگی روشنفکری و اجتماعی سرزمین ما را حقیر می‌شمرد.»

کنفرانس دموکراتیک فرانسوی کار: اتحادیه‌های کارگری فرانسه / CFDT

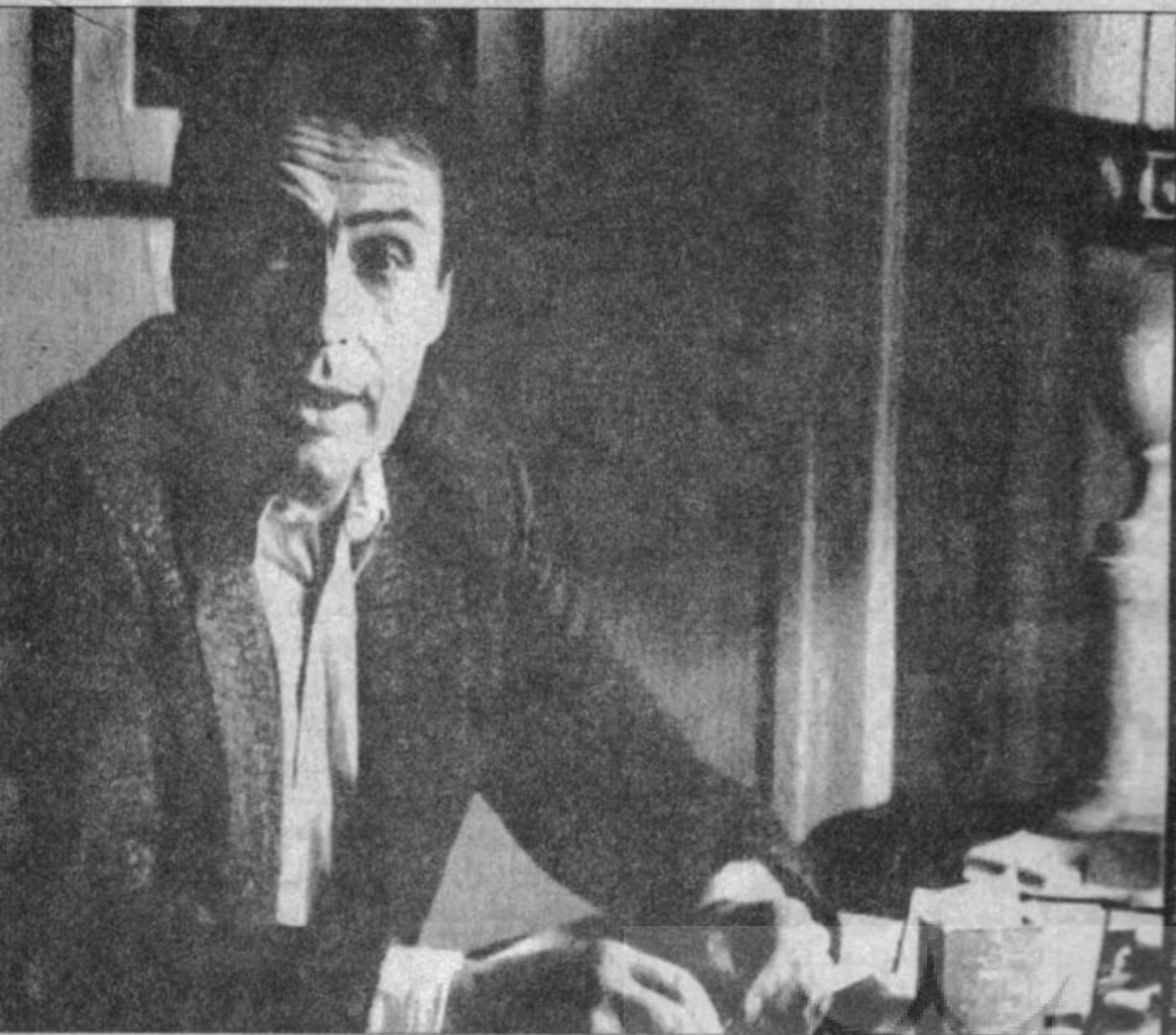
«پیر بوردیو در خاطر ما مؤلف اثری است که از سی سال پیش تاکنون مباحث اجتماعی را زنده و پویا نگه داشته است. اختلاف نظر ژرف ما در (نحوه‌ی) مبارزه به هیچ روی احترامی را که برای او و خردش قایلیم کم نمی‌کند.»

فدراسیون عمومی کار: اتحادیه‌ی کارگری فرانسه / CGT

«آثار قابل توجه جامعه‌شناسی بوردیو چون کارهایش در فرآیند تولید بی‌عدالتی اجتماعی، از مدت‌ها پیش گواهی است بر انسانی مشکل‌پسند و با اندیشه‌ی مصمم و متعهد عمل‌گرا، چنان‌که موضع‌گیری جسورانه‌اش در بحران زمستان ۱۹۹۵ و نبردش علیه زیان‌های لیبرالیسم گواهی بر این مدعا است.»

راه‌آهن جنوب

«در حالی که دیگر روشنفکران همگی در یک



صف قرار داشتند، او حمایت و پشتیبانی از مبارزان جامعه‌ی عادلانه‌تر را برگزید.»

پست و مخابرات جنوب

«مرگ او امکانی عظیم را از ما می‌گیرد. با این وجود، نوشته‌های او برای کسانی که در پذیرش تفکر منحصر به فرد او تردیدی ندارند و به مبارزه برای دنیای بهتر ادامه می‌دهند، متابع مهمی می‌باشند.»

مرکز حق مسکن

«مبارزه‌ی او در مسایل و مشکلات اجتماعی و در بی‌عدالتی، بسیاری روشنفکران را از خمودگی بیرون آورد و نخبگان ما را به شدت درگیر نمود.»

پاسکال بروکند

«پیر بوردیو از سارتری‌هایی است که مدعی حق مداخله در تمام عرصه‌های عملی می‌باشند. او از این‌رو، میراث‌دار روشنفکران سال‌های پایانی دهه‌ی پنجاه است که دغدغه‌ی حضور در تمام زمینه‌های مبارزاتی را داشتند. با این‌همه در عمل‌گرایی او تضادی وجود دارد. بین امید او به تغییر و بدبینی فرهنگی‌اش که - این در یکی او بنیادی بود - ساختار اجتماعی تغییرناپذیر است و جامعه میان ارباب و رعیت تقسیم شده، حفظ کرد.»

● فیلمی از پیر کارل / Pierre Cales (جامعه‌شناسی، ورزش مبارزه است، ۲۰۰۱) به

همین دلیل فیلمی بسیار بی‌رحمانه است. این فیلم در رویارویی با جوانان حاشیه‌نشین در چند شعار ضد سرمایه‌داری خلاصه شده است که خطر همیشگی تعهد سیاسی روشنفکران می‌باشد. وانگهی تضادی میان عمل که نتیجه‌ی اختلاف زیاد با یکی از اندیشمندان (ریمون آرون / Raymond Aron) بود، در او وجود داشت. در این مفهوم او شاگردی کاملاً خلف است.

● بوردیو، چون دولوز، فوکو یا بارتز / Barts محصول سال‌های دهه‌ی پنجاه است. او بی‌شک بهره‌مند از آن شرایط است. او هم‌چنین در سال‌های دهه‌ی ۶۰ از ابهام منازعه‌ای سیستم جهانی‌سازی برای شناخت ساعت عظمت خود سود جست.

● افشای قدرت‌ها با خواست و روش بوردیو به قدر کافی مؤثر است، چرا که این توجه او در تمام دنیا گسترده شده است. اما او گونه‌ای ابهام در کلامش دارد چرا که خود او بیش‌تر توسط قدرت و توانایی احاطه شده است و مکانیزم‌های قدرت او را فریفته است. با این‌همه او از چهره‌های درخشان جهانی است که آشکارا هیچ‌کس نمی‌تواند با او در این باره هم‌آوردی کند.

● می‌توان نسبت به مبارزه و مرگ بوردیو چیزهای مختلفی گفت: بوردیو در حالی مُرد که نبردی جمعی را هدایت می‌کرد. او تا لحظه‌ی آخر، بازی کرد و البته بدون چشم‌پوشی. مگر

برای یک روشنفکر، بدترین چیز، کناره‌گیری از اصلاح همیشگی آزمایش‌های عملی اولیه نیست؟ بوردیو نیازی به انتقاد در تفسیر ندارد. او در این دنیا فعال باقی مانده است.

بور دیو، در یک نگاه

زندگی نامه

- اول اوت ۱۹۳۰، تولد در دنگوین / Denguin (بیرن آتلانتیک).
- ۱۹۴۱ - ۱۹۴۷: مدرسه در پاو / Pau.
- ۱۹۴۸ - ۱۹۵۱: مدرسه‌ی لویی لوگران در پاریس.
- ۱۹۵۱ - ۱۹۵۴: دانشسرای عالی.
- ۱۹۵۱ - ۱۹۵۴: دانشکده‌ی ادبیات پاریس.

مشاغل

- ۱۹۵۴ - ۱۹۵۵: استاد مدرسه‌ی مولن / Moulins.
- ۱۹۵۸ - ۱۹۶۰: معاون دانشکده‌ی ادبیات الجزایر.
- ۱۹۶۰ - ۱۹۶۱: معاون دانشکده‌ی ادبیات پاریس.
- ۱۹۶۱ - ۱۹۶۴: رئیس کنفرانس‌ها در دانشکده‌ی ادبیات لیل / Lille.
- ۱۹۶۴ - ؟: مدیر مطالعات مدرسه‌ی مطالعات عالی علوم اجتماعی.
- ۱۹۶۴ - ۱۹۸۴: استاد راهنما در دانشسرای عالی - مدیر مرکز جامعه‌شناسی آموزشی و فرهنگی.
- ۱۹۶۴ - ۱۹۹۲: مدیر مجموعه‌ی «خرد جمعی» (انتشارات مینوی / Minuit).
- ۱۹۷۲ - ۱۹۷۳: عضو افتخاری مؤسسه‌ی مطالعات پیشرفته (پرینستون) عضو آکادمی آمریکایی علوم و هنر.

- ۱۹۷۴ - ۱۹۷۶: عضو انجمن علمی مؤسسه ماکس پلانک برای مطالعات فرهنگی.
- ۱۹۷۵: سردبیر مجله‌ی کار پژوهشی در علوم اجتماعی.
- ۱۹۷۵: ویراستار مشاور در مجله‌ی آمریکایی جامعه‌شناسی.
- ۱۹۸۲: استادی کرسی جامعه‌شناسی در کالج فرانسه.
- مدیر مرکز جامعه‌شناسی اروپا / CSE در کالج فرانسه و مدرسه‌ی مطالعات عالی علوم.
- ۱۹۸۹: سردبیر مجله‌ی بین‌المللی کتاب‌های لیبر / Liber.
- ۱۹۸۹: دکترای افتخاری از دانشگاه آزاد برلین.
- ۱۹۹۰: دکترای افتخاری از دانشگاه یوهان ولفگانگ گوته‌ی فرانکفورت.
- ۱۹۹۱: عضو انجمن علمی مؤسسه‌ی مراکش - اروپا.
- ۱۹۹۳: مدال طلای CNRS (مرکز ملی پژوهش‌های علمی).
- ۱۹۹۶: جایزه‌ی ایروینگ گوفمن / Erving Goffman از دانشگاه برکلی کالیفرنیا.
- ۱۹۹۷: جایزه‌ی ارنست بلوخ / Ernst Bloch شهر لودویگس هافن / Ludwigshafen.

آثار و مقالات

- ۱۹۵۸: جامعه‌شناسی الجزایر.
- ۱۹۶۳: کار و کارگران در الجزایر (به همراه داربل، ریوت و سیبل).
- ۱۹۶۴: ریشه‌کنی و بحران کشاورزی سنتی در الجزایر (به همراه صیاد).
- ۱۹۶۴: کودکان، دانشجویان و فرهنگ.
- ۱۹۶۵: یک هنر میانی، مقاله‌ای در کاربرد اجتماعی عکاسی.
- ۱۹۶۵: گزارش تربیتی و ارتباطاتی، مجله‌ی مرکز جامعه‌شناسی اروپا، شماره‌ی ۲.
- ۱۹۶۶: شور هنر، سوزهای هنری اروپا و مردم‌شناسان.
- ۱۹۶۸: حرفه‌ی جامعه‌شناس.
- ۱۹۷۰: باز تولید عناصری برای تئوری سیستم آموزشی.
- ۱۹۷۲: نظری بر تئوری عملی.
- ۱۹۷۷: الجزایر سال ۱۹۶۰، ساختار اقتصادی و مادی.
- ۱۹۷۹: تمایز، انتقاد اجتماعی قضاوت.
- ۱۹۸۰: مفهوم عمل.
- ۱۹۸۰: مسأله‌ی جامعه‌شناسی.
- ۱۹۸۲: آن که سخن می‌گوید خواهد گفت، ترکیب داد و سندهای زبان‌شناسانه.
- ۱۹۸۴: انسان آکادمیک.
- ۱۹۸۷: اشیاء سخن می‌گویند.
- ۱۹۸۸: هستی سیاسی مارتین هایدگر.
- ۱۹۸۹: اشرافیت دولت.
- ۱۹۹۲: پاسخ برای مردم‌شناسی بازتابی.
- ۱۹۹۲: اصول هنر، پیدایش و ساختار زمینه‌ی ادبی.
- ۱۹۹۳: فلاکت جهان.
- ۱۹۹۴: داد و ستد آزاد.
- ۱۹۹۴: خرد عملی، درباره‌ی تئوری عمل.
- ۱۹۹۷: درباره‌ی تلویزیون.
- ۱۹۹۷: اندیشه‌ی پاسکالی.
- ۱۹۹۷: کاربردهای اجتماعی علم.
- ۱۹۹۸: مخالف شوق.
- ۱۹۹۸: تسلط مردانه.
- ۲۰۰۰: ساختارهای اجتماعی اقتصاد.

پیر بوردیو، ریاکاری گردانندگان جامعه را علنی می‌کرد

گفت‌وگو با دکتر احسان نراقی

با سپاس از فرصتی که در اختیار ما گذاشتید. همان طور که می‌دانید پیر بوردیو، جامعه‌شناس و متفکر نام‌آور فرانسوی در ماه گذشته درگذشت. بوردیو کی بود و چه کاری کرد؟

احسان نراقی: پیر بوردیو در ۱۹۳۰ در یکی از شهرهای جنوبی فرانسه به دنیا آمد. از جوانی دانشجوی ممتازی بود و در مدرسه‌ی معروف ECOLE NORMALE SUPERIEURE تحصیلاتش را به پایان رساند که افراد معروفی از آن جا بیرون آمده‌اند. او در رشته‌ی فلسفه فارغ‌التحصیل شد و بلافاصله برای گذراندن دوران سربازی به الجزایر رفت. اولین ارتباط او به عنوان جامعه‌شناس با جامعه‌ی «کیبل» بود. کیبلها در جنوب الجزایر با یک آداب و سنن و اعتقادات عشیره‌ای خاصی زندگی می‌کنند. به علت علاقه‌اش به این جامعه، پس از پایان خدمت سربازی، به عنوان معلم جامعه‌شناسی در آن جا شروع به فعالیت و تدریس کرد.

دست‌آوردهای این تجربه ۲ کتاب بود که نخستین آن با عنوان «جامعه‌شناسی الجزایر» در مجموعه‌ی معروف «چه می‌دانیم؟» منتشر شد و کتاب دوم او، تحت عنوان DERACINEMENT بود به معنای «از ریشه جدا شدن». بوردیو در این کتاب بر آن بود که نشان بدهد که الجزایر در تماس با استعمار فرانسه چه چیزهایی را از دست داده و در چه شرایطی قرار دارد. هدفش از تدوین این اثر نشان دادن آن وضع یعنی استعمارزدگی بود.

تجربه‌ی زندگی در الجزایر بر آینده‌ور زندگی فرهنگی و علمی او تأثیری ماندگار گذاشت. اولین اثر چنین تجربه‌ای این بود که یک جوان ۲۳ - ۲۲ ساله‌ای ۵ - ۴ سال در یک کشور کاملاً

متفاوت با سرزمین خودش به مطالعه و تحقیق پرداخت و یاد گرفت که بتواند از چارچوب کشور و جامعه‌ی خودش فراتر برود و امکان مقایسه‌ی جامعه‌ی خودش را با جامعه‌ی دیگری داشته باشد. چنین تجربه‌ای به جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان بینایی و توانایی قدرت تحلیل بالایی را فراهم می‌آورد. به همان صورت که بالاندیه، برک، ممالک مسلمان و آفریقای را شناختند.

دوم این که در اوبه یک ملت تحت استعمار، سمپاتی و گرایش پیدا شد. با احساس انسانی قوی‌ای که داشت، متوجه وضع مردم استعمار زده شده بود و صدماتی که استعمار به مردم مستعمره می‌زند را به نیکی می‌شناخت. به علت اقامت چند ساله‌اش همیشه نسبت به این مردم، گروه‌ها و جوامع هم‌دلی نشان می‌داد. این بود که یک جامعه‌شناس «دو جهانی» شد: هم جهان پیشرفته و صنعتی و هم جهان واپس مانده. بوردیو دارای این امتیازات بود و بر خلاف عموم فرانسوی‌ها آن غرور فرهنگی که معمولاً فرانسوی‌ها دارند و خودشان را از لحاظ فکری و علمی «مرکز دنیا» و «ممتاز» می‌دانستند را دارا نبود. چرا که واقعیت‌ها و چهره‌های دیگر این تمدن و فرهنگ را نیز به تجربه دیده بود.

او از وقتی که در دانشگاه پاریس شروع به تحقیق کرد و بعدها به نوعی در همه‌ی پژوهش‌هایش آن را پی گرفت توجه به این نکته‌ی مهم بود که چگونگی رابطه‌ی فرد را با جامعه، و رابطه‌ی امور مادی و غیرمادی را به طور محسوس نشان بدهد. می‌گفت: وظیفه‌ی جامعه‌شناس این است که عوامل غیرمادی را از درون جامعه، استخراج بکند.

کار معروف و اساسی که در این دوره انجام داد نقد نظام آموزشی فرانسه بود. تا آن زمان برای فرانسوی‌ها مسلم بود که نظام آموزشی‌شان، نظامی دموکراتیک است که «حسن» و «اصلاح» جوانان را به طرف بالا سوق می‌دهد. بوردیو به همراه یکی از همکارانش به نام «پسون» نقد نظام آموزشی فرانسه را به انجام رساندند و کتابی هم که حاصل این پژوهش مشترک بود به نام «وارثان» منتشر کردند. آن‌ها در این کتاب نشان دادند که علم و دانش هم، نسل اندر نسل در یک سلسله باقی می‌ماند و از خانواده‌ها دور نمی‌شود. به عنوان مثال، آن‌ها نشان دادند: از ۱۸ دانشجویی که در مسابقات بسیار سخت مدارس فرانسه پذیرفته شده‌اند، ۱۳ نفرشان مایل اند در همان رشته‌ی پدری کار تحقیق و تدریس را ادامه بدهند. همه‌ی جوانان، فرزندان کادرهای بالا بودند و در یک محیط اجتماعی و فرهنگی خاصی پرورش